

زمینه‌های ارتقاء کارکردهای سیاسی انقلاب اسلامی در جامعه

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

چکیده:

انقلاب اسلامی مادامی که در مسیر حقیقی خود گام بردارد، از غنای درونی خود در عرصه‌های مختلف بهره‌مند خواهد بود و ابعاد کارکردی آن نیز افزون می‌گردد. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که هرگاه انقلاب در مسیر حقیقی خود حرکت نمود، به کارکردهای سیاسی‌ای دست یافت که مجموعه آن کارکردها منحصر در نظام الهی - توحیدی است و تاکنون هیچ نظامی در عالم نتوانسته بدان دست یابد. تاکنون در خصوص زمینه‌های ارتقاء کارکردهای سیاسی انقلاب در جامعه کمتر سخن به میان آمده، بر اساس این ضرورت، نگارنده در این اثر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین این کارکردها خواهد بود و در نهایت بدین نتیجه رسیده است که کارکردهای سیاسی انقلاب در ابعاد داخلی و بیرونی منوط به حرکت نمودن آن در گفتمانی است که بر اساس آن پدید آمد. لذا هرگاه انقلاب از ریل اصلی هدفگذاری شده خود خارج گردد، کارکردهای سیاسی‌اش نیز کاهش خواهد یافت و طبیعتاً موجی از نارضایتی عمومی نیز به همراه خواهد داشت.

واژگان اصلی: حکومت دینی، انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی، جامعه‌شناختی، کارکردهای سیاسی.

مقدمه

قرآن کریم همواره ابعاد مختلفی از ابعاد سیاسی مورد نظر اسلام را تبیین نموده است تا سیاست دینی در روابط داخلی و خارجی که به نوعی همان اعمال سیاست‌های دیپلماتیک در سطح روابط در داخل و بین الملل است، به بالاترین کارکرد و بازدهی خود برسد. در این مسیر، نوع رفتارهای سیاسی و کیفیت تعامل حکومت دینی با مردم جامعه، می‌تواند زمینه ارتقاء یا تقلیل کارکردهای سیاسی حکومت دینی در جامعه باشد. از نگاه دکترین سیاسی اسلام، سیاست و دیانت دو حوزه همسو و جدایی‌ناپذیر از منظر دینی است، به همین سبب در سیره همه انبیاء و اولیاء حقیقی خداوند سیاست، امری مشهود است و پیروان ایشان نیز با تأسی به ائمه خود، در این مسأله نسبت بدیشان اقتداء داشته‌اند. از جمله آثار در این زمینه عبارتند از: ۱- کارکردهای اجتماعی انقلاب اسلامی اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۹۵ توسط نشریه مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است. ۲- دستاوردهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) اثر صادق فرازی که در سال ۱۳۸۳ توسط مجله حصون منتشر شده است. ۳- انقلاب اسلامی و احیای کارکرد دین در عرصه جهانی اثر جمعی از نویسندگان که در سال ۱۳۹۵ توسط مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. ۴- کارکردهای ایدئولوژی در انقلاب اسلامی اثر سوده خسروی که در سال ۱۳۹۱ توسط دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است. ۵- انقلاب اسلامی و پیامدهای معرفتی اثر حمیدرضا سیف که در سال ۱۳۸۹ توسط مؤسسه امام خمینی(ره) منتشر شده است. اما وجه تمایز این اثر نسبت به آثار برشمرده شده در این بوده که در این اثر زمینه‌های ارتقاء کارکردهای سیاسی انقلاب مورد تبیین قرار می‌گیرد، امری که در آثار پیشین بدان پرداخته نشده بود و سبب تمایز این اثر نسبت به آثار برشمرده شده خواهد بود. در این اثر بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که زمینه‌های ارتقاء کارکردهای سیاسی انقلاب اسلامی در جامعه چیست؟

۱- امکان نظارت مردمی برای مبارزه با فساد

امکان نظارت بر شئون مختلف حکومت، مقبولیت و مشروعیت آن را خواهد افزود و در کنار آن، کارکردهای سیاسی را پررنگ می‌سازد. بر همین اساس با شکل‌گیری انقلاب

اسلامی، تحقق عدالت یکی از شئون بایسته و لازم در حکومت دینی شناخته شد، اما تحقق آن تنها با مبارزه دستگاه‌های قضایی ممکن نیست و مردم در راستای حقوق نظارتی خود در جامعه، لازم است قیامی همه‌جانبه در این زمینه داشته باشند: «عدالت و مبارزه با فساد، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی... این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن، چشم امید به شما جوانها است و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.» (رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم)

بررسی اجمالی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که امر نظارت بر مسئولین جهت حفظ کارکردهای حکومت دینی، همواره مورد عنایت بوده و از جایگاه والایی در سیره رسول خداوند برخوردار بوده است؛ تاریخ مکتوب حکومت ایشان بیانگر این حقیقت بوده که ایشان در نظارت بر کارگزاران و امیران خود اهتمام بسیاری داشتند تا قوانین به درستی انجام پذیرد. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۳۴) از همین روی سیره رسول خداوند طبق روایات بر این بوده که وقتی امری را جهت فرماندهی منصوب می‌نمود، یکی از افراد مورد اعتماد خویش را با او گسیل می‌ساخت تا به طور پنهانی از امورات امیر به رسول خداوند گزارش دهد. (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۴۴)

این مکانیزم لازم در دوره امیرالمؤمنین نیز امتداد یافت و امام علی (علیه‌السلام) سرانجام پس از نیل به خلافت، مواضع شفاف و بدون ابهام در این زمینه اتخاذ کرد و در سایه اصل

مهم بازگشت به کتاب خدا و تبعیت از سیره رسول خدا و به کار بستن اجتهاد خویش، با صراحت اعلام کرد که حکومت و از جمله بیت‌المال در دست خلیفه مسلمانان و کارگزاران اسلامی امانت است. پیامبر اسلام در نخستین تلاش‌های خویش برای برپایی نظام سیاسی اسلام و در ملاقات با نمایندگان مدینه که بعدها به عنوان انصار شهرت یافتند، پس از آنکه انصار با آن حضرت دیدار نمودند و به ایشان ایمان آورده و بیعت کردند، برای هر طایفه از طوائف آنان یک یا دو نفر را به عنوان نقیب نصب فرمود تا اوضاع آنان را از نزدیک تحت نظر داشته باشد و جریان اسلام‌گرایی و گذر جامعه از جاهلیت به توحید را کنترل نمایند. (ناصری، ۱۳۸۱: ۶۶) پس از آنکه حضرت به مدینه هجرت نمود و حکومت اسلامی را به کمک انصار تأسیس کردند نه تنها نمایندگان و ناظران یادشده را بر کنار نکرد بلکه به تدریج دامنه نظارت را گستراند و ناظران بیش‌تری برای تحت نظر داشتن بخش‌ها و قبایل گوناگون مدینه و اطراف برگزید. به عنوان نمونه وی، در سال ششم هجری برای هر ده نفر از مجاهدان یک نفر را به عنوان «عریف» معین فرمود تا توسط آنان اوضاع و احوال را تحت نظر داشته، از روند کار و جریان امور به خوبی آگاه شوند. از جمله اقدامات دیگر پیامبر، تعیین عریف (نقیب و ناظر) برای قبایل گوناگون بود. افرادی چون جندب بن النعمان، رافع بن خدیج و... جهت نظارت بر امور قبایل و گزارش از وضعیت سیاسی و دینی آنان به مدینه مأمور شدند و حضرت در مورد بازار و امور اقتصادی نیز نظارت دقیق داشت. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۶۵)

در واقع از منظر دینی، مردم رسالت دارند جهت کارکردهای سیاسی حکومت دینی، بر پایه نصح اسلامی نسبت به مصالح کلی نظام، بر شئون مختلف مسئولین نظارت داشته باشند؛ امیرالمؤمنین (ع) درباره نقش مردم در نصیحت حاکم اسلامی می‌فرماید: «ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است؛ حق شما بر من، آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان، برایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و اگر فرمان دادم، اطاعت کنید.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴)

در حقیقت بر اساس نگرش اسلامی، یکی از پایه‌های مدیریت و سیاست اجتماع، نصیحت و خیرخواهی متقابل حکومت و مردم نسبت به همدیگر است و جالب‌تر اینکه در

فقه سیاسی اسلام، کفّه نصیحت به نفع مردم، نسبت به زمام‌داران، سنگین‌تر است؛ یعنی مردم به دلیل این که اعمال و رفتار زمام‌داران را می‌بینند و عملکرد دولت در دید آنان صورت می‌گیرد و لذا داور بی‌طرف و ناقد منصفی به شمار می‌روند؛ از این رو، در مقام ارزیابی اعمال حکومت و در راستای بهبود بخشیدن به مدیریت جامعه و حفظ انتظام آن، نصیحت به ائمه مسلمین، یکی از وظایف ائمه و یکی از شیوه‌های مطلوب و مؤثر برای گوشزد نمودن خطاهای زمام‌داران و رفع نواقص دولت دانسته شده است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۵) جامعه‌ای که بر مسئولیت حکام خود ناصح نباشد، از حقوق خود دست کشیده و عملاً به عدم کفایت و ایجاد انحراف در بسترهای حاکمیتی رضایت داده است و طبیعی است که از کارکردهای اولیه حکومت دینی در عرصه سیاسی محروم خواهد شد.

۲- حفظ استقلال سیاسی کشور

کشوری که گرفتار استثمار و وابستگی به دشمن است، قادر نخواهد بود روی پای خود بایستد و از آرمان‌هایش دفاع کند. در چنین جامعه‌ای نبض امور در ید دشمن خواهد بود و حکومت دینی قادر نیست آنگونه که باید کارکردهای حقیقی خود را به مردمش ارائه نماید. بر همین اساس بوده که حفظ استقلال سیاسی کشور در هر دوره زمانی از امهات انقلاب محسوب می‌شود: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ «و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دواند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود از جمله آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیّت. این ثمر شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای

الهی و حقوق عمومی تعریف شود.» (رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم)

در همین چارچوب است که عدم وجود استقلال و در نتیجه وادادگی از جمله عناصر اساسی، در ایجاد نفوذ و حرکت روبه جلو دشمن برای هدم و نابودی دستاوردهای داخلی است، در عرصه سیاسی نیز فقدان استقلال، موجب نفوذ بیگانگان خواهد شد و از شکل‌گیری و تقویت کارکردهای انقلاب ممانعت به عمل می‌آورد. در استقلال سیاسی آنچه مهم است عدم وابستگی هیأت حاکمه و اتخاذ تصمیمات بر اساس منافع کشور است. بر این اساس، استقلال سیاسی به معنای مستقل بودن هیأت حاکمه یک کشور از نفوذ بیگانگان و اتخاذ تصمیمات سیاسی بر اساس منافع ملی کشور است. استقلال سیاسی منبای ابعاد دیگر استقلال به شمار می‌رود؛ بدین معنا که دستیابی به استقلال اقتصادی و فرهنگی برای یک جامعه در صورتی ممکن است که به استقلال سیاسی دست یافته باشد و دولت‌مردان آن، به دور از دخالت بیگانگان استراتژی کشور را تدوین نموده و به اتخاذ تصمیمات بپردازند. استقلال سیاسی در دو بعد داخلی و خارجی ظهور و بروز می‌یابد. استقلال سیاسی در بعد داخلی در انحصار اتخاذ تصمیمات توسط دولت تجلی می‌یابد؛ بدین معنا که دولت با برخورداری از حاکمیت مطلق، برای مردم ایجاد حق و تکلیف می‌کند و هیچ امری نمی‌تواند برای آن محدودیت ایجاد نماید. در بعد خارجی، استقلال سیاسی بدین معناست که ابتکار تعیین و اداره روابط با دیگر کشورها در دست دولت قرار دارد. بدین ترتیب، استقلال سیاسی عبارت است از داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

به همین سبب است که اگر مسئولین حکومت دینی به دشمن وابسته باشند نخواهند توانست سیاست واقعی ارائه شده توسط دین را اجرا نموده و جامعه را از کارکردهای آن بهره‌مند سازند. کرامت انسانی در جامعه‌ای که به فرهنگ والا دست یافته ایجاب می‌کند که انسان تن به اسارت ندهد و عزت و انسانیت خویش را در پناه دولتی با کرامت و عزتمند تقویت و استوار سازد. اما از طرفی لثامت انسان که تنها جنبه اکتسابی و تربیتی دارد، او را به هر نوع تجاوزگری و تن سپردن به هر نوع ذلت سوق می‌دهد. با این همه، اراده الهی به این تعلق گرفته است که آدمی خود برای نجات خویش به پاخیزد، خود بیندیشد و تفکر خویش را به کار گمارد تا تحقق بخش آرمان الهی - توحیدی باشد. تنها در سایه تحقق آرمان ناب

توحیدی و ظهور حکومت الهی است که به کرامت انسان لطمه‌ای وارد نمی‌آید و حیثیت و شرافت او خدشه‌دار نمی‌شود. در پرتو چنین حکومتی انسان هرگز بر انسان حکومت نمی‌کند. بنابراین، انسان به اسارت انسان در نمی‌آید و بندگی خدا، جای بندگی انسان را می‌گیرد؛ چراکه قدرتی والاتر و بلندمرتبه‌تر از آدمی بر افراد و جوامع انسانی حاکمیت می‌یابد. حاکمیت الهی، حکومت خداوند بر تمامی ابعاد وجودی انسان، اعم از فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است. غرب با تأکید بر لیبرال دموکراسی، می‌کوشد مضامین بلند نظام نو در آخرالزمان را که با بیانات گوناگون، کم و بیش، در فرهنگ آسمانی ادیان الهی بیان شده، تحت الشعاع فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی خود قرار دهد. در این صورت، غرب به ناچار به خلق و بازسازی واژگان مخصوص نظام برتر پرداخته است تا تمامی این واژگان را در خدمت و تأمین اغراض سلطه- طلبانه خود به کار بندد مثلاً اگر به مفاد و فلسفه ایجاد حکومت جهانی واحد از دیدگاه ادیان الهی توجه کنیم، درخواهیم یافت مهم‌ترین عنصر چنین حکومتی برپایی و گسترش عدل در جهان است. (رهنمایی، ۱۳۸۷: ۳۴)

وابستگی به طاغوت نه تنها در عرصه اجتماعی بلکه در شئون فردی نیز مانع از شکل-گیری کارکردها و به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های الهی فرد خواهد شد؛ طبق آیات قرآن، بدترین افراد نزد خداوند و دورترین افراد از راه راست کسانی هستند که یوغ نظام سلطه، نفوذ آنها و حکومت‌های طاغوتی به گردن خود نهند. آنها کسانی هستند که هرگز به تکامل و پیشرفت دست نمی‌یابند. در نقطه مقابل، بهترین افراد در اندیشه اسلامی کسانی هستند که با دوری از نظام سلطه، به سوی خدا و یکتاپرستی روی آورند. قرآن کریم این افراد را صاحبان خرد و اندیشه و اولوالالباب می‌نامد: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، آیات ۱۷ و ۱۸)؛ آنان که از پرستش طاغوت دوری می‌ورزند و به سوی خداوند بازگشته‌اند، آنان را مژده باد. پس بشارت ده به آن دسته از بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنان صاحبان خرد و اندیشه‌اند.

۳- بسط عمق راهبردی نظام در جهان

انقلاب اسلامی در مسیر دعوت انبیاء شکل گرفت و به یک محیط خاص متوقف نمی‌شود، بسط پیدا کردن آرمان‌های آن، سبب تقویت و استحکام بیشتر انقلاب خواهد شد و طبیعی است که در چنین حالتی، انقلاب به ارتقاء بیشتری در عرصه‌های کاربردی برسد؛ چراکه تمام تأکید انبیاء بر این بود که باید اعتقاد حق را از باطل تشخیص داد و با برهان و منطق درصدد اثبات و ترویج آن بر آمد و نقد افکار مخالفان و طرفداران باطل پرداخت تا هیچ فرد آگاهی به سمت آن گرایش پیدا نکند. حضرت امام خمینی (ره) با الهام از این حرکت انبیاء شعار احیای اسلام ناب محمدی را مطرح ساخت و با کمک و همراهی یاران باوفای خود، انقلاب اسلامی را پایه‌ریزی کرد. بررسی تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که اولین شعاری که حضرت امام راحل مطرح و دیگران نیز از آن پیروی کردند، مسأله احیای اسلام بود، مروری بر سخنرانی‌های آن حضرت در همان آغاز نهضت، حالی از آن است که اساس بر پای چنین نهضتی، به سبب خطری بوده است که ایشان نسبت به فراموشی اسلام احساس می‌کردند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

جهت تحقق این آرمان، لازم است مسئولین وظایف خود را به درستی انجام دهند اما باید توجه داشت که گسترش این انقلاب دینی و بسط مفاهیم و ارزش‌های آن در جهان در وهله اول بر عهده روحانیت است؛ چراکه پیدایش انقلاب از حوزه بوده و بسط راهبردی آن نیز باید توسط این نهاد صورت پذیرد؛ این انقلاب نیاز به روحانیت دارد، به شرط آنکه روحانیت وظیفه خودش را در آینده انقلاب خوب درک کند. کارش را باید ده برابر کند، تحقیق علمی‌اش را باید ۱۰ برابر کند، تبلیغ فرد را ۱۰ برابر کند. رابطه‌اش را با مردم، در جمع مردم آمدم، به میان مردم رفتن، درد مردم را از نزدیک لمس کردن و احساس کردن؛ اینها را باید چندین برابر کند. آینده انقلاب هم اگر بخواهد ان‌شاءالله پیروزتر بماند و به نتیجه برسد، باز باید روی دوش روحانیت باشد. اگر این پرچم‌داری از روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح طبقه روشن‌فکر بیفتد و به عقیده من، یک نسل بگذارد اسلام به کلی مسخ می‌شود، چرا؟ برای اینکه حامل فرهنگ اسلامی باز هم همین طبقه هستند.» (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۹۴)

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی، برای جلوگیری از بسط کارکردی جریان‌های مخالفینشان در عرصه سیاسی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که

هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست‌نشانده و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۷۹)

پیدایش اصل انقلاب اسلامی با هدایت سیاسی امام راحل بود، دوام آن نیز با تداوم پیروی از رهبری انقلاب در ابعاد سیاسی خواهد بود و چنانکه بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی آغاز شد، نهضت مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت مذهبی انجام پذیر است و کارکردهای سیاسی انقلاب به اوج خود خواهد رسید و این همان صدور انقلاب اسلامی به خارج از کشورمان است. صدور انقلاب به معنای دخالت در شئون مردم کشورهای دیگر نیست؛ بلکه به معنای پاسخ دادن به سؤال‌های فکری بشرِ تشنه معارف الهی است. و از آن جهت که مبدأ فاعلی همه - انسان و جهان - خداست و مبدأ قابل‌ی همه انسان‌ها فطرت خداجو و خداخواه است، وظیفه رهبران الهی اقتضا دارد ندای هاتف غیبی را که برای گوش دل آشناست به سمع همه صاحب‌دلان منتظر برسانند و هیچ فرد یا گروهی را از این موهبت الهی محروم نکنند. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۲۱)

۴- استقامت در مسیر دستیابی به آرمان‌ها و اهداف ملی

از جمله ابعاد سیاست خارجی در گفتمان انقلاب اسلامی، نگاه الهی به آرمان‌ها، شکیبایی و پایداری در مسیر حق است؛ یعنی انسان چنین اعتقاد پیدا کند که برای پیروز شدن حق بر باطل، هرچه را دوست دارد فدا کند و همان‌گونه که حق با محو باطل پیروز می‌شود با کشف باطل و معرفی آن به مردم نیز پیروز می‌شود. این نگاه باعث تداوم حرکت در مسیر آرمان‌های

انقلاب می‌شود. از استقامت در چارچوب‌های آرمانی و اهدافی انقلاب، آثار و نتایجی به دست خواهد آمد که ظهور و بروز ناب آن در فتوحات دفاع مقدس با دستان خالی بود. لذا برای رسیدن به هر هدفی، صبر و شکیبایی ضروری و لازم است؛ از این رو، هیچ کس به به پیروزی نمی‌رسد، مگر از طریق صبر و پایداری و به هر اندازه که سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل کند، به همان اندازه موفقیت و پیروزی به دست خواهد آورد و با این بیان، رمز سخن خداوند را پیدا می‌کنیم که می‌گوید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره، آیه ۱۵۵)؛ صابران را مژده دهید و نیز می‌گوید: «وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص، آیه ۸۰)؛ آن را دریافت نمی‌کند مگر صابران. (مغنیه، ۱۳۹۷، ج ۳: ۵۳۷)

در راستای دکتترین سیاسی انقلاب، در شرایطی که در دوران کنونی انسان‌ها اغلب برای زنده ماندن بیشتر تلاش می‌کنند، کسانی هم هستند که در محور مقاومت درک متعالی‌تری از فلسفه حیات و کسب مقام والایی که شهیدان راه خدا دارند، حاضرند جان خود را فدا کنند و از شهادت در راه مکتب و دین خود استقبال کنند. به چنین روحیه‌ای که همراه با رهایی از تعلقات دنیوی است، «شهادت‌طلبی» گفته می‌شود. مرگ در راه خدا، معامله‌ای پر سود با آفریدگار است یعنی جان فدا کردن و به بهشت جاوید رسیدن. اسلام با مسلح کردن پیروان با ایمان خویش به دیدگاه «احدَى الْحُسَيْنَيْنِ»، آنان را چنان بار می‌آورد که در میدان‌های جنگ نیز، چه بکشند و چه کشته شوند، پیروز باشند و به نیکویی دست یابند. اولیاء دین و پیروان خالص آنان این روحیه را داشتند، از این رو از بذل جان در راه اسلام مضایقه نمی‌کردند. صحنه عاشورا، شهادت‌طلبی یاران با ایمان امام حسین (علیه‌السلام)، در عمل تجلی یافت. خود آن حضرت نیز پیشتاز و الگوی این میدان بود. وقتی امام می‌خواست از مکه حرکت کند، با خواندن خطبه‌ای که از زیبایی مرگ در راه خدا برای جوانمردان سخن می‌گفت، از افراد خواست هر کس شهادت طلب است و آمادگی بذل جان و خون دارد، همراه ما بیاید؛ «مَنْ كَانَ بِأَذَلِّ مَا فِيهَا مُهْجَتَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا». (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۴۴: ۳۶۶)

امروزه در محور مقاومت در برابر جبهه استکباری هستی، کارکردهای حکومت دینی به اوج خود رسیده و برنامه‌ریزی مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای دشمن به خاطر خوف از ارتقاء این کارکرد سیاسی انقلاب است؛ چراکه او به خوبی می‌داند رزمندگان جهادگر اسلام ایمان به خداوند را قوی‌ترین و کارآمدترین اسلحه می‌دانند و بر این باورند امروز استقامت یک دقیقه

جمهوری اسلامی با وضعیت سیاسی نظامی و اقتصادی که در دنیا دارد خود یک معجزه‌ای بزرگ است؛ چراکه ما از لحاظ نظامی سلاح‌هایمان هرگز نمی‌تواند با سلاح دشمن مقابله کند از لحاظ اقتصادی ما مدت زیادی است که در محاصره اقتصادی به سر می‌برسیم و از لحاظ سیاسی تمامی کشورها به دستور آمریکا و شوروی دست در دست هم داده‌اند تا انقلاب اسلامی را به انزوا بکشانند. باید دانست که علی‌رغم تمامی مسائل پیچیده‌ای که دشمن دارد علی‌رغم تمامی حمایت‌هایی که توسط شرق و غرب می‌شود، هرگز نخواهد توانست در مقابل نیروی رزمندگان اسلام ایستادگی کند؛ چراکه همیشه سلاح تکبیر، توکل و ایمان قوی -ترین سلاح بوده است. دشمن از همان روزهای نخستین تهاجم دریافت که رؤیاهای خوش فتح چند روزه‌اش دست یافتنی نیست. گردنه‌های بن‌بست شکاری پیش روی دارد. مقاومت و ایثار کم نظیر مردم و رزمندگان خرمشهر و زمین‌گیر کردن نیروی زرهی دشمن در کوچه پس کوچه‌های آن حکایت از ورود یک عنصر بسیار مهم در عرصه جنگ داشت و آن عنصر ایمان و اعتقاد به خداوند متعال بود عنصری که شور و حرارت مقاومت را بر جان مؤمنان رزمنده می‌افکند و رنگ شکست و ناکامی را در کام تجاوزگران می‌ریخت. (تقی زاده، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۶)

در همین راستا بوده که شعار «نه غزه، نه لبنان» هرگز در مسیر غیرت ملی و احساس مسئولیت نسبت به محور مقاومت نبوده و چنین افرادی هیچ ادراک صحیحی نسبت به مسئولیت ملی خود نداشته و تصویر توهمی آنها از شخصیت دشمن آنان را به این وادی سوق داده است؛ از دید بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، توجه حاجیان به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی حج سبب کوتاهی دست ستمگران می‌شود و زمینه دستیابی به آزادی حقیقی را فراهم می‌سازد. بر پایه همین دیدگاه، وی حج را بدون برائت از مشرکان ناقص و بی‌ارزش شمرده است. به باور او، آیین برائت، کعبه را به پایگاه همیشگی توحید و اعلان انزجار از شرک و ظلم بدل ساخته و برخی اعمال حج مانند سنگ زدن به تندیس شیطان در همین مسیر تشریح شده است. افزون بر این، اعلان برائت در هر هنگام شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و اجرای آن به شکل راهپیمایی از شیوه‌های امروزی آن است. برائت از مظاهر شرک همراه با همایش مسلمانان کنار بیت‌الله می‌تواند ثمراتی مانند تحکیم برادری، رفع اختلاف امت اسلامی، اظهار شکوه اسلام و ذلت کافران را در پی داشته باشد. (ورعی، ۱۳۷۹: ۸۶)

۵- آزادی در مخالفت با حکومت

حق مخالفت بر عملکرد حکومت و حاکمان و بیان حقایق و واقعیت‌ها در زندگی سیاسی، از مهم‌ترین حقوق اساسی انسان‌ها در زندگی سیاسی به حساب می‌آید و برخلاف برخی نگاه‌ها نه تنها باعث تضعیف انقلاب نخواهد شد بلکه زمینه تبادل نظر، عدم ایجاد خفقان و آزادی‌های مشروع را ایجاد خواهد کرد که از رئوس ماندگاری حکومتی در جامعه محسوب می‌شود. لذاست که فقدان آزادی بیان در برابر حکومت دیر یا زود، حکومت دینی را با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد ساخت. لذا پذیرش و رعایت این حقوق در جامعه به مفهوم به رسمیت شناخته شدن آزادی انتقاد و بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی سیاسی است.

البته آزادی مخالفت با حکومت باید در چارچوب‌های صحیح خود ارائه شود والا منجر به سوء استفاده دشمنان، ایجاد هرج و مرج در جامعه و ناامنی خواهد شد؛ حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. از بیان امام علی(ع) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ شبهه خوارج که می‌گفتند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: «لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ... وَ يُقَاتِلُ بِه الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِه السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِه لِلضَّعِيفِ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۰)؛ به ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن گردد و حقوق ضعیفا از افویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شر بدکاران آسایش داشته باشند.

برخی بر این باورند که آزادی سیاسی یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آید یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید. (عسکری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶۱) برخی دیگر بر آن اندکه منظور از آزادی سیاسی، به طور ساده، عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که حکومت مردمی اقتضا می‌کند. این کارها اصولاً شامل استفاده از ابزارهایی است که شهروند از طریق آنها بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته

باشد. (کوهن، ۱۳۷۴، ص ۱۸۴) عده ای هم معتقدند آزادی سیاسی، آزادی فرد در صحنه سیاست و به بیان دیگر، فقدان فشار سیاسی است. (منتظر قائم، ۱۳۹۱: ۱۰۱) بنابراین، حکومت دینی در هر دوره‌ای باید زمینه‌های لازم جهت نقد و بیان نظرات مخالف را در جامعه به وجود آورد تا از نارضایتی عموم و سرکوب شدن آراء جلوگیری شود، اما این فرآیند باید در چارچوب صحیح خود صورت پذیرد.

۶- پرهیز از دودستگی و تشتت در جامعه

زمانی که جامعه گرفتار تفرقه و تشتت باشد، سستی در جامعه رسوخ پیدا خواهد کرد و دشمن از این فرصت نهایت استفاده را خواهد کرد تا از میزان شکاف ایجاد شده به بدنه جامعه نفوذ نموده و از فضای گل‌آلود موجود نهایت بهره‌وری نماید و از این مجرا، کارکردهای انقلاب را به حداقل ممکن تقلیل دهد؛ چراکه جامعه رها شدن از تفرق و پراکندگی، خالی از منافذ و رخنه‌هایی خواهد بود که دشمن از آن مجرا ورود نماید؛ وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت، نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون، آیه ۸۲)؛ و همانا این امت شماسست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم. از من پروا کنید. در تفکر دینی، هرگز مراد از وحدت کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود: «وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج، آیه ۷۸). بنابراین، از نظر مفهومی وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است. از این‌رو، خداوند می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳) اختلاف و واگرایی بیش از اینکه منشأ داخلی داشته باشد، عامل بیرونی و خارجی دارد؛ زیرا استعمار و حکومت‌های وابسته به آن همواره در روند پیشرفت نهضت‌های وحدت‌گرا اختلال ایجاد کرده، مانع از همگرایی دولت‌ها می‌گردند. هرگاه این عامل در داخل سرزمین‌های اسلامی تغییر بنیادی یابد و حکومت‌ها، ملی و اسلامی گردند، وحدت که خواست اصلی ملت‌ها و

دولت‌هاست، تحقق پیدا خواهد کرد. (فولادی، ۱۳۸۷: ۴۴)

به سبب آثار سوء ایجاد نفوذ و تضعیف حکومت دینی و تقلیل کارکردی انقلاب دینی در زمان تفرقه، باید با جمله عوامل ایجاد تفرقه مبارزه نمود. در این راستا عوامل گوناگون، متفاوت و متعددی در ایجاد و تأمین امنیت عمومی، امنیت ملی و وحدت ملی مؤثر هستند که می‌تواند به پروژه نفوذ دشمن پایان دهد و بی‌تردید عوامل متعدد و متفاوت دیگری نیز می‌تواند به ایجاد و استقرار نا امنی، آشفتگی، تفرقه دشمنی و... یاری می‌رسانند. اختلاف منافع، سلیقه، باور و اندیشه در یک جامعه پویا و زنده انسانی بوجود می‌آید و امری طبیعی است، موضوع این نیست که اختلاف را متذکر شویم. مسئله حائز اهمیت این است که با پذیرش این اختلاف‌ها به عنوان پدیده‌هایی طبیعی و با استفاده از راه حل‌های انسانی، مسالمت‌آمیز، عقلایی و منطقی، دیدگاه‌ها را پیرامون محورهای مهم، عام و مورد قبول پذیرش اکثریت مردم به همدیگر نزدیک کنیم و از ظرفیت‌های بالقوه همکاری‌ها، نظریه‌ها و هم‌دسی‌ها در جهت استقرار و تأمین امنیت و وحدت ملی سود جویم. چندگانگی و کثرت، از ویژگی‌های واقعی روابط اجتماعی و از عینیات جامعه محسوب می‌شوند، هرگونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مورد اموری مانند امنیت عمومی، وحدت ملی و... بدون عنایت و توجه به این واقعیت با موفقیت قرین نخواهد شد. وجود اختلاف در زمینه‌های مختلف اجتماعی و... در تمام جوامع بشری پدیده‌ای طبیعی محسوب می‌شوند. (داودی،

۱۳۸۶: ۱۹)

در واقع به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و همبستگی ملی و علاقه‌مندی ملتی در مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر یک نظام، مشابه و هم‌گرایانه باشد، چنین ملتی به راحتی و سریع‌تر از حد انتظار به اهداف و آرمان‌های متعالی و چشم‌اندازهای بلندمدت ترسیم شده از سوی رهبران خود خواهند رسید. ملتی که دارای همبستگی ملی است و از وحدت، یکدلی و یک‌رنگی بهره می‌برد، به راحتی با مشارکت عمومی شهروندان خویش به تحقق اهداف متعالی نظام خویش دست خواهد یازید. مشارکت عمومی، آنگاه که آگاهانه و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست به جریان افتد، شکل اجتماعی به خود گرفته و همبستگی ملی و انسجام اجتماعی را تقویت خواهد کرد. این مهم موجب تقویت بیش از پیش رضایت و اعتماد عمومی شهروندان نسبت به حاکمیت سیاسی خواهد بود. مشارکت عمومی، عمل و

پای‌بندی شهروندان به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و قوانین و مقررات عمومی را تقویت می‌کند و موجبات مسئولیت‌پذیری آنان را فراهم می‌آورد. روشن است ملّتی واحد، منسجم و یکپارچه که با همبستگی ملّی و مشارکت عمومی در بازسازی و تحقق اهداف و آرمان‌های ملّی خویش در تلاش‌اند، توطئه‌ها و تبلیغات روانی دشمنان و معاندان حاکمیت ملّی و دین را در ناکارآمد جلوه دادن نظام و در رفع و حلّ مشکلات اجتماعی و مطالبات عمومی ناکام خواهند گذارد. بی‌تردید همبستگی ملّی و مشارکت عمومی همچون بنیانی مرصوص خواهد بود تا مردم و دولتمردان با همدلی، یکدلی، وحدت و یکپارچگی در تحقق اهداف و آرمان‌های ملّی خویش بکوشند (فولادی، ۱۳۸۴: ۶۵).

صفوف به هم پیوسته جامعه، مانع خواهد شد تا دشمن برای ایجاد خلل بیشتر، اهداف خود را با اهرم‌های نفوذ پیش براند و به اهداف سیاسی خود و تضعیف کارکردی انقلاب در شئون سیاسی روی بیاورد. از همین روی خداوند متعال برای مصونیت جامعه ایمانی از فتنه‌های نفوذ دشمن، همواره بر رشد و پیشرفت جامعه اسلامی، مؤمنین را به وحدت و اتحاد صفوف دعوت نموده است؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانًا مَرْصُوصًا» (صف، آیه ۴)؛ خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند؛ گویی بنایی آهنین‌اند. آگوست‌کنت، جامعه‌شناس شهیر، ملاک شکل‌گیری وفاق اجتماعی و همبستگی ملّی را بر توافق اذهان آدمیان می‌داند و معتقد است که جامعه به وجود نمی‌آید مگر آنکه اعضای آن اعتقادات واحدی داشته باشند. افکار بر جهان حکومت می‌کند و جهان را دگرگون می‌سازد. به بیان دیگر، همه دستگاه‌های اجتماعی بر اساس عقاید بنا شده‌اند و بحران‌های سیاسی جوامع امروزی ناشی از هرج و مرج فکری آدمیان است؛ «در واقع، مهم‌ترین شری که دامنگیر ماست، همین ناهماهنگی عمیقی است که اکنون بین همه اذهان نسبت به همه اصول اخلاقی که ثبات آن‌ها شرط اول یک نظم اجتماعی حقیقی است، وجود دارد.» (صدیق‌اورعی، ۱۳۸۰: ۲۲)

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، اولیاء الهی دارای مجاهدت در راه خداوند، دین حق تعالی را پیش برده- اند تا جایی که پس از مرارت‌های بسیار، در دوران کنونی که اوج محوریت مادی‌گری و تمدن باطل غربی بوده، انقلاب اسلامی در مسیری خلاف تحلیل‌های مادی‌دنیای غربی به ظهور پیوست که خود تبیین‌کننده این حقیقت بوده که خداوند در هر دوره‌ای از تاریخ، مؤمنینی را رشد می‌دهد که رسالت ترویج دین او حق تعالی را بر دوش می‌گیرند تا کارکردهای واقعی دین خداوند را در عرصه سیاسی به جامعه بنمایانند. در این مسیر، لازم است سیاست دینی از بسترهای تبیین شده در آیات و روایات منحرف نگردد تا کارکردهای آن در عرصه اجتماعی حفظ شود. امروزه انقلاب اسلامی در بستر حرکت در مسیر ارزش‌ها و آرمان‌های اولیه خود توانسته به کارکردهای متعددی در عرصه‌های سیاسی برسد اما ظهور و بروز بیشتر این کارکردها و ارتقاء کارکردهای موجود، نیازمند به جمع شدن اموری است که در این اثر بدان پرداخته شده و شامل مواردی چون بسط عمق راهبردی نظام در جهان، آزادی در مخالفت با حکومت، حفظ استقلال سیاسی کشور و... است. بر این اساس، ارتقاء و تعمیق هر نوع کارکرد سیاسی در کشور مستلزم شناخت آرمان‌ها و اهداف انقلاب و پس از آن، مراقبت بر حفظ انقلاب در مسیر حقیقی و آرمانی خود است.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۰). مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

تقی‌زاده، علی (۱۳۸۶). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم: زمزم هدایت.

جعفریان، رسول (۱۳۹۰). تاریخ تحول دولت و خلافت، قم: دلیل ما.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). آوای توحید (شرح نامه امام خمینی (س) به گورباچف)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س).

حرعاملی (۱۴۱۳). وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل بیت الاحیا التراث.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

داودی، مهدی (۱۳۸۶). «چالش‌های فراوی وحدت ملی»، نشریه پگاه حوزه، شماره ۲۳۳، دی.

رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۷). در اندیشه حکومت جهانی واحد، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۰). تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی، قم: نگاه حوزه.

عسکری، مرتضی (۱۳۸۹). القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: دانشکده اصول الدین.

فولادی، محمد (۱۳۸۴). «همبستگی ملی و مشارکت عمومی، آثار و پیامدها»، ماهنامه معرفت، سال ۱۴، شماره ۹۰، خرداد.

فولادی، محمد (۱۳۸۷). «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ره)»، ماهنامه معرفت، سال ۱۷، شماره ۱۲۶، خرداد.

کوهن، کارل (۱۳۷۴). دموکراسی، تهران، خوارزمی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). بحارالانوار، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

محمدی، عبدالعلی (۱۳۸۷). «نقد پذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۱، شماره ۴۲، تابستان.

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.

مغنیه، محمدجواد (۱۳۹۷). کاشف، قم: بوستان کتاب.

منتظر قائم، مهدی (۱۳۹۱). آزادی سیاسی، تهران: نی.

ناصری، عبدالمجید (۱۳۸۱). نظارت در حکومت علوی، قم: معرفت.
ورعی، جواد (۱۳۷۹). مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکان، تهران: مشعر.
هاشمی، محمد (۱۳۷۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: مجتمع آموزش عالی.